



## باز کاوی نقش امریکادر ایجاد آشوب‌های کوردی ماه ۹۶ بر اساس اطلاعات آشکار

حامد حبیبی  
سهراب مقدمی شهیدانی

### چکیده

اغتشاشات و آشوب‌های دی ماه ۱۳۹۶ یکی از توطئه‌های ناکام دشمنان جمهوری اسلامی بود، که در آستانه چهل سالگی نظام جمهوری اسلامی با محوریت شیطان بزرگ، طراحی و با همدستی عوامل خارجی و داخلی، به اجرا گذاشته شد و البته ناکام ماند. در این مقاله با اتکا به اطلاعات منتشر شده و خصوصاً با توجه به تصریحات مخالفان جمهوری اسلامی، به تحلیل نقش امریکا در آشوب‌های مزبور پرداخته شده است. تبیین نقش محوری امریکا در آشوب‌های زمستان ۹۶، موجب فهم عمیق و ملموس بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم در ۱۹/۱۰/۹۶، با موضوع تبیین ابعاد گوناگون عملکرد و هدایت این آشوب‌ها، می‌گردد. این نوشتار به فاصله کمتر از دو ماه پس از وقوع آشوب‌های دی ماه، به تحریر درآمده و طبیعتاً نگارندگان از حیث دسترسی به تحلیل‌ها و اسناد مرتبط، در مضیقه قرار داشته‌اند و در آتیه ابعاد بیشتری از این ماجرا روشن خواهد شد.

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در آستانه چهل سالگی‌اش همچنان پای بر جا و استوار، در افق‌های تازه‌اش به پیش می‌رود و به رغم همه فتنه‌ها، توطئه‌ها، کودتاها و توفان‌های موسمی، ثبات سیاسی خود را متزلزل ندیده است. نقش راهبردی ولایت فقیه و راهبری الهی شخص مقام معظم رهبری از یک‌سو، و حضور هوشمندانه و یکپارچه توده‌های مردم انقلابی از سوی دیگر، موجب خنثی‌سازی انواع دشمنی‌های سازمان‌یافته علیه انقلاب اسلامی شده است.

موفقیت مستمر جمهوری اسلامی ایران در مهار فتنه‌ها و دشمنی‌ها موجب آن نیست که از بازخوانی حوادث فتنه‌گون علیه انقلاب اسلامی غفلت صورت گیرد؛ چه اینکه عدم واکاوی محققانه حوادث خطیر و غفلت از عبرت‌آموزی تاریخی، تاکنون موجب گسترش، تکرار یا تعمیق دشمنی‌ها و فتنه‌ها شده است.

در تحلیل فتنه‌های سازمان‌یافته علیه انقلاب اسلامی، ادبیات و الگوهای مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ گاه مرز ادبیات شعاری و احساسی، فضای تحلیلی را درمی‌نوردد و گاه با تکیه بر اطلاعات پنهان به بررسی وقایع مبادرت می‌شود و در برخی موارد دامنه حوادث خطیر ملی به نزاع‌های داخلی جناحی و عوامل درونی تقلیل و تنزل داده می‌شود. در همه این موارد، جای نقد جدی وجود دارد و برآیند چنین بررسی‌هایی نوعاً به روشن‌گری گسترده ختم نخواهد شد.

نوشتار حاضر در کوتاه‌ترین زمان پس از وقوع آشوب‌های کور سال ۹۶ به تحریر درآمده و تلاش دارد با تکیه بر اطلاعات منتشرشده، به نقش امریکا در ایجاد ناآرامی‌های سراسری در ایران اسلامی بپردازد. موضوع این مقاله از آن جهت ضرورت و اهمیت می‌یابد که برخی از مسئولین بلندپایه سیاسی و بعضی تحلیل‌گران نامور ایرانی بنا به دلایل نامعلوم، جهت شکل‌گیری این آشوب‌ها را به سمت و سوی عوامل داخلی تقلیل دادند یا در بازکاوی علل و عوامل و ابعاد این ماجرا دچار تشتت و تذبذب شده‌اند. این مسئله در حالی مشاهده می‌شود که رهبری معظم ماه‌ها پیش از شکل‌گیری ناآرامی‌های کور سراسری، نسبت به این وقایع هشدار داده بودند و در سخنرانی تاریخی ۹ دی ۹۶ و به فاصله چند روز پس از فرونشستن زبانه آتش ناآرامی‌ها، به نقش عوامل خارجی و خصوصاً امریکا در سازماندهی آشوب در ایران، تصریح کردند. ایشان در تبیین ابعاد وقایع دی‌ماه ۹۶ چنین فرمودند:



قرائن و شواهد اطلاعاتی نشان می‌دهد که این قضایا سازماندهی شده بوده و در شکل‌گیری آن، یک مثلث فعال بوده است. یک رأس این مثلث، امریکا و صهیونیست‌ها بودند که طراحی را انجام دادند و چند ماه بر روی این طراحی کار کردند و بنای آنها این بود که حرکت‌ها از شهرهای کوچک شروع شود تا به مرکز برسد. رأس دوم این مثلث، یکی از دولت‌های خرپول خلیج فارس است که هزینه این نقشه را تأمین کرد و رأس سوم نیز، پادوها بودند که مربوط به سازمان آدم‌کش منافقین هستند و از ماه‌ها قبل آماده بودند.

عملیات «هم‌گرایی نتیجه‌بخش» اسم رمزی بود که مثلث امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها به عنوان طراحان و سعودی‌ها به عنوان حامیان مالی و منافقین به عنوان پیاده‌نظام این جریان با همکاری هم قصد ایجاد آشوب و فتنه را در کشور داشتند؛ هدفی که در آن با استفاده از مطلوبات مردم و دغدغه‌های بحق آنان به عنوان بهانه‌ای برای اجتماعات خیابانی و در نهایت با هدف بهره‌برداری به نفع خود بتوانند به اهداف شوم خود دست پیدا کنند. این جریان با همانندسازی ایران به لیبی سعی در کشاندن آشوب از شهرهای کوچک به بزرگ و از آنجا به طرف مرکز داشت و در نهایت در پی آن بود که زمینه سقوط نظام را فراهم آورد که حضور حماسی مردم بار دیگر نقشه‌های آنان را باطل نمود.

خصومت‌های امریکا با ایران باعث شده است که این کشور طی سالیان گذشته به ویژه پس از به قدرت رسیدن اوباما سرمایه‌گذاری فراوانی را برای قرار دادن مردم در مقابل دولت ایران انجام دهد و به عبارت دیگر، استراتژی تغییر رژیم را عملیاتی سازد. اصولاً باید در نظر داشت که یکی از اهداف طرح جایگزین اقدام نظامی مستقیم علیه ایران در دوره بوش با سیاست اعمال تحریم علیه ایران در دوره اوباما و استمرار آن در دوره ترامپ نیز، در همین مسئله یعنی قرار دادن مردم در مقابل حکومت نهفته است. در مجموع می‌توان گفت که امریکا در این دوره نیز راهبردهای دوگانه مهار و تغییر رژیم را به صورت همزمان در مقابل ایران دنبال می‌کند. به عبارتی تنها تاکتیک‌های سیاست خارجی این کشور است که در مقابل ایران از حمله نظامی به سمت جایگزین‌هایی چون تحریم و حمایت از ناآرامی‌های داخلی متمایل شده، نه استراتژی‌های این کشور.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر مقامات امریکایی از قدرت روزافزون ایران در ابعاد موشکی و نفوذ منطقه‌ای و ثبات امنیتی پایدار در منطقه پرآشوب و بلوا و از همه مهم‌تر ایجاد یک

۱. «تغییر رژیم اصل ثابت سیاست ایرانی امریکایی»، ۱۳۹۶/۱۰/۱۱



عملیات «هم‌گرایی نتیجه‌بخش» اسم رمزی بود که مثلث امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها به عنوان طراحان و سعودی‌ها به عنوان حامیان مالی و منافقین به عنوان پیاده نظام این جریان با همکاری هم قصد ایجاد آشوب و فتنه را در کشور داشتند

حکومت شیعی با در هم شکستن مرزهای ایدئولوژی جهان به هیچ وجه راضی نیستند. لذا بر این شدند تا آرزوهای خود را از رؤیای تغییر رژیم به هدف اصلی تغییر دهند و از هیچ تلاشی برای رسیدن به این خواسته و هدف دریغ نوزند.

بی‌شک در اجرای این هدف امریکایی‌ها تنها

نبودند؛ که در گفتارهای مجزایی به نقش آنان نیز می‌پردازیم.

نوشتار حاضر تلاش کرده تا حدودی به نقش امریکا به عنوان اصلی‌ترین دشمن انقلاب اسلامی و یکی از ابعاد مثلث مذکور بپردازد.

### هدف دشمن در مقابل جمهوری اسلامی چیست؟

بدون شک شناخت دشمن بزرگ‌ترین کمک را می‌کند که توان خود را در مقابله با آن افزایش دهیم. رهبر معظم انقلاب در دیداری که در آستانه ۱۲ آبان با دانش‌آموزان و دانشجویان برگزار شد در تبیین ضرورت دشمن‌شناسی به عنوان شرط اصلی تداوم مسیر تحقق اهداف نظام و ملت خاطر نشان کردند: «امریکا به معنای واقعی کلمه، دشمن خبیث و اصلی است و این حقیقت نه از سر تعصب و نگاه بدبینانه است بلکه ناشی از تجربه، فهم درست مسائل و دیدن واقعیت میدان است.»<sup>۱</sup> اما امریکا در این سال‌ها به تنهایی مشغول مبارزه با ملت و نظام جمهوری اسلامی نبوده بلکه سعی کرده است کشورهای مختلف را با خود همراه نماید؛ دشمنانی که نفوذ و قدرت و صلابت جمهوری اسلامی قطعاً برای آنها خوشایند نخواهد بود.

اما هدف اصلی دشمن چیست؟ در این خصوص ذکر چند نکته لازم و اساسی است:

#### اول:

کار دشمن دشمنی است پس توقع دوستی از دشمن خطاست، پس اینکه انتظار داشته باشیم او اظهار دوستی کند یا دست از دشمنی بردارد انتظار بی‌جایی است. برای همین هم امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: من نام لم ینم عنه شما اگر در سنگر خوابت برد معنایش این نیست که طرف مقابل شما و دشمن شما هم خوابش برده، او (دشمن) مواظب است. او (دشمن) مراقب شما است، او (دشمن) منتظر

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۶/۸/۱۱.

شما است که شما را خواب ببرد.<sup>۱</sup>

**دوم:** آنچه در جریانات اغتشاشات دی ماه ۹۶ اتفاق افتاد بخشی از پروژه «کوتاه مدت» دشمن برای رسیدن به هدف «میان مدت» و «بلندمدت» آنان بود. از اینرو در بیستم اردیبهشت سال ۹۶ درست نه روز قبل از انتخابات، رهبر انقلاب راهبرد و اهداف سه مرحله‌ای دشمن را بیان نمودند:

دشمن یک هدف کوتاه مدت دارد... یک هدف میان مدت... یک هدف بلندمدت دارد... هدف کوتاه مدت دشمن به هم زدن امنیت کشور است... ایجاد آشوب و فتنه در کشور است... هدف میان مدت آنها هم مسئله اقتصاد کشور است... مردم هم بایستی از جمهوری اسلامی و نظام اسلامی به خاطر مشکلات معیشتی ناامید و مأیوس بشوند... هدف بلندمدت هم اصل نظام اسلامی است.<sup>۲</sup>

ایجاد آشوب اگر چه بهانه اقتصادی داشت اما هدفی که دشمن طراحی کرده بود براندازی نظام اسلامی بود. آنچه‌آن را صراحتاً آن را اعلام کردند. «هدف نهایی دشمن (چیست؟) معلوم است... براندازی جمهوری اسلامی».<sup>۳</sup>

**سوم:** نقطه قوت هر نظام و حکومتی در دنیا مردم است و طبعاً با حمایت مردم بوده که انقلاب اسلامی در پیچ‌های متعدد تاریخی به سلامت عبور کرده است. اما طرح مشترک هر یک از اهداف سه‌گانه دشمن یک چیز بود: از بین بردن «امید» و «اعتماد مردم». «اینکه مردم را ناامید کنند، مردم را بدبین کنند، اعتماد به نفس مردم را بگیرند، آینده را تاریک نشان بدهند؛ کاری که امروز دشمن دارد می‌کند».<sup>۴</sup> بنابراین «امروز بیشترین نقشه دشمنان متوجه این است که ملت ایران این اعتماد به نفسی را که دارد از دست بدهد، نقش مهم جنگ نرم دشمن، امروز متوجه این است که ملت ایران امیدش را از دست بدهد».<sup>۵</sup>

**چهارم:** هدف دیگر دشمنان از اغتشاشات اخیر ناکارآمدی نشان دادن دین در مدیریت جامعه است؛ زیرا که استکبار جهانی می‌داند الگوسازی انقلاب اسلامی هستی استکبار را به خطر می‌اندازد. آنچه از برآوردها و تحلیل‌های تحلیل‌گران بزرگ امریکایی و اروپایی برمی‌آید، ترامپ ریاض را در کنار تل‌آویو به عنوان محور اصلی روابط دیپلماتیک

۱. بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۶/۲/۲۰.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۶/۱۰/۶.

۵. همان.



و اقتصادی و هم‌پیمان خود در منطقه برگزیده تا حافظ و منشأ تداوم حضور امریکا در منطقه باشد لذا از دید امریکایی‌ها ایران به عنوان یک کشور مستقل و مخالف این دو کشور در واقع برهم‌زننده برنامه‌های بلندمدت امریکا برای حضور و بهره‌برداری از منطقه شناخته می‌شود.<sup>۱</sup>

پنجم: وسیله (تهاجم) چیست؟ وسیله‌شان این است که ابزارهای اقتدار ملی را از جمهوری اسلامی بگیرند. به فرموده مقام معظم رهبری، اقتدار ملی ابزارهایی دارد: یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتدار ملی عواطف مردم و افکار عمومی است. یکی از ابزارها حضور قدرتمندانه جمهوری اسلامی در منطقه است. یکی از ابزارها اقتدار ملی قدرت دفاعی کشور است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتدار ملی جوان مؤمن است.<sup>۲</sup>

### رویکرد کلی بر خورد امریکا با جمهوری اسلامی

دولتمردان امریکا بعد از حدود یک دهه سیاست دستکش مخملی، صریحاً خواسته قلبی خود را به زبان آوردند و اعلام کردند که به دنبال تغییر رژیم در ایران هستند. با آن که ترامپ به واسطه مشاورین باسابقه خود که غالباً از ژنرال‌های بازنشسته ارتش امریکا هستند پذیرفته که مقابله با ایران و تغییر حکومت از طریق نظامی دور از دسترس و پرهزینه است لذا آن گونه که از طریق افزایش ارتباطات سیاسی و امنیتی کاخ سفید با گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی مشخص است امریکا خواهان تقویت کردن اپوزسیون داخلی و خارجی برای رسیدن به این هدف است.<sup>۳</sup> کما اینکه رکس تیلرسون وزیر خارجه سابق امریکا چندین بار عبارت «تغییر رژیم» را به کار برد. او اولین بار در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۱۷ (۲۵ خرداد ۱۳۹۶) در سخنانی در مجلس نمایندگان گفت:

سیاست ما در قبال ایران هنوز در حال تکمیل است. هنوز آن را به رئیس‌جمهور تقدیم نکرده‌ایم ولی بگوییم که قطعاً ما متوجه ادامه حضور تنش‌زای ایران در منطقه هستیم... سیاست ما در مقابل ایران این است که هژمونی و استیلای ایران را به عقب برگردانیم، توانایی آنها در تولید سلاح اتمی را مهار کنیم و از عناصری در داخل ایران حمایت کنیم که منجر می‌شود به انتقال مسالمت‌آمیز حکومت و البته همان طوری که

۱. «بررسی نقش راهبرد مهار از درون امریکا در اغتشاشات اخیر ایران»، ۲۰۱۸/۱/۱۴.

[iuvmpress.com/fa/26966](http://iuvmpress.com/fa/26966)

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.

۳. «بررسی نقش راهبرد مهار از درون امریکا در اغتشاشات اخیر ایران»، همان.

رهبر معظم انقلاب: دشمن یک هدف کوتاه مدت دارد... یک هدف میان مدت... یک هدف بلندمدت دارد... هدف کوتاه مدت دشمن به هم زدن امنیت کشور است... ایجاد آشوب و فتنه در کشور است... هدف میان مدت آنها هم مسئله اقتصاد کشور است... مردم هم بایستی از جمهوری اسلامی و نظام اسلامی به خاطر مشکلات معیشتی ناامید و مأیوس بشوند... هدف بلندمدت هم اصل نظام اسلامی است

می‌دانیم آن عناصر حضور دارند.<sup>۱</sup>

البته بعداً خواهیم گفت که به تعبیر رهبر انقلاب دشمنان ما از حقاء هستند چرا که سرمایه خود را معطوف به بعضی اپوزسیون فراری از کشور و سازمان ورشکسته منافقین نموده‌اند که حنای آنان قطعاً در نزد مردم رنگی نخواهد داشت. این پایان اظهارات سکاندار سابق سیاست خارجی امریکا نبود بلکه او در ۱۶ مهر سال ۹۶ بار دیگر در مصاحبه با CNN شفاف‌تر اعلام کرد

که «به دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم». او همچنین حدود دو ماه پیش از آشوب‌های ایران در هند گفته بود: «از صداهای مدرن در داخل ایران حمایت خواهیم کرد». همچنین جیمز متیس وزیر دفاع ایالات متحده درست نزدیک به چند هفته بعد از اظهارات تیلرسون با اعلام اینکه ایران اصلی‌ترین عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه است، گفت: «یگانه شرط بهبود مناسبات ایران و امریکا تغییر رژیم ایران است».<sup>۲</sup>

## نقش مارک دوپو ویتز در اغتشاشات و طرح سیاست براندازی

در همان روزهای نخست پس از آغاز رسمی کار دونالد ترامپ، مارک دوپو ویتز مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسی» و یکی از کارشناسان اصلی امریکا در زمینه تحریم‌های اقتصادی ایران چکیده نظریات خود پیرامون سیاست صحیح در قبال ایران را در ۷ صفحه در اختیار کاخ سفید قرار می‌دهد. سایت پولیتیکو مدعی است که به نسخه‌ای از این یادداشت سیاسی دست یافته است. این سایت درست چند روز بعد از اظهارات بی‌پرده سران امریکایی، در مقاله‌ای به قلم مایکل کراولی (دبیر حوزه سیاست خارجی سایت) به طرح موضوع تغییر رژیم ایران در کاخ سفید پرداخت. کراولی در مقاله خود محور اصلی نظریات مارک دوپو ویتز را چنین می‌داند: «دامن زدن به ناآرامی‌ها با هدف ایجاد یک ایران آزاد دموکراتیک». دوپو ویتز معتقد است که ساختار

۱. «تیلرسون: سیاست ما تغییر مسالمت‌آمیز قدرت در ایران است»؛

[www.bbc.com/persian/amp/IRAN-4028336915/06/2017](http://www.bbc.com/persian/amp/IRAN-4028336915/06/2017)

۲. «دفاع آشکار وزیر دفاع امریکا از تغییر رژیم در ایران»، ۲۰۱۷/۶/۳۰؛

[www.dw.com/fa-ir/a-39636095//](http://www.dw.com/fa-ir/a-39636095//)





سیاسی ایران از چنان ویژگی‌ای برخوردار است که بتوان آن را ناپایدار و بحرانی کرد و از این طریق به هدف تغییر رژیم در ایران دست یافت. شماری از سناتورهای امریکایی از جمله تام کاتن<sup>۱</sup> یگانه راه مقابله با تهدیدات اتمی ایران و همچنین پشتیبانی مالی و نظامی این کشور از تروریسم را در سرنگونی حکومت دینی ایران می‌دانند.<sup>۲</sup>

## مارک دوبوویتز کیست؟

او مدیر اجرایی بنیادی موسوم به «دفاع از دموکراسی» است. بنیادی که بازوی عملیات نرم سرویس جاسوسی امریکا محسوب می‌شود. بنیاد دفاع از دموکراسی با نام اختصاری FDD شناخته می‌شود. دفتر مرکزی آن در واشنگتن دی سی است. این بنیاد وابسته به طیف نومحافظه کاران امریکایی است و تمرکز مطالعاتی آن بر روی مباحث مرتبط با سیاست خارجی و امنیت ملی امریکاست.

حمایت بی حد از رژیم صهیونیستی و دشمنی با جمهوری اسلامی ایران دو مشخصه بارز بنیاد دفاع از دموکراسی است. حامیان مالی این بنیاد اکثراً از مرتبطين لابی صهیونیست‌ها هستند. شلدون ادلسون کازینودار سرشناس لاس وگاسی که زمانی خواهان حمله به ایران با بمب اتم شده بود از حامیان مالی بنیاد دفاع از دموکراسی است.

بنیاد FDD پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به محفلی برای استراتژیست‌های امریکایی بدل شد. گردانندگان این بنیاد صراحتاً اسلام را مهم‌ترین ایدئولوژی رقیب خود معرفی کرده‌اند و اولویت خود و سازمان متبوع‌شان را مقابله با تفکر اسلامی اعلام داشته‌اند. بنیاد دفاع از دموکراسی بازوی فکری و اجرایی سازمان جاسوسی امریکا (سیا) محسوب می‌شود. بخش عمده بودجه این بنیاد مستقیماً از سوی سازمان سیا تأمین می‌شود. اداره کنندگان FDD عمدتاً از اعضای برجسته سازمان سیا و مشاوران امنیت ملی رؤسای جمهور سابق امریکا هستند.

یکی از ابزارهای دست‌اندرکاران بنیاد FDD برای پیشبرد جنگ نرم، به راه انداختن

۱. «تام کاتن کیست؟ جوان‌ترین سناتور امریکا از حزب جمهوری خواه از ایالت آرگازاس و از مخالفان توافق هسته‌ای، او در نهم مارس ۲۰۱۵ در نامه موسوم به ۴۷ سناتور خطاب به رهبران ایران که به دست وی نوشته شده بود هشدار داد هر گونه توافق هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ احتمالاً تنها تا پایان دوره ریاست جمهوری او با ما اعتبار خواهد داشت؛ او همچنین این مذاکرات را با مصالحه با آلمان نازی مقایسه کرده و مدعی تندروری ایرانیان شد. جالب این جاست اولین مقام رسمی ایالات متحده که در آشوب‌های داخلی زمستان ۹۶ ایران سخن گفت وی بوده است.»؛ [www.aftabnews.ir/fa/news/287840](http://www.aftabnews.ir/fa/news/287840)

۲. «آیا دولت ترامپ خواستار تغییر رژیم در ایران است؟»، ۲۶/۶/۲۰۱۷؛



کودتاهای مخملین در کشورهای متضاد با منافع امریکاست. این بنیاد با حمایت سیاسی، رسانه‌ای و مالی از جریانات مخالف برخی از دولت‌های هدف، زمینه تنش و اغتشاش سیاسی و براندازی نرم حکومت قانونی این کشورها را کلید می‌زند؛ پروژه‌ای که در برخی از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق آرامنه گرجستان، قرقیزستان، اوکراین و... صورت گرفت. مارک دوبو ویتز که به عنوان مدیر اجرایی بنیاد و دفاع از دموکراسی فعالیت می‌کند از افراد و مشاوران نزدیک به ترامپ است و بیش از ۲۰ مقاله و کتاب در زمینه تحریم منتشر کرده است. او در یک مرکز مطالعاتی در دانشگاه تورنتو عضو مؤثر است و در دوره‌ای که کنگره امریکا در تلاش برای لغو توافق هسته‌ای بود بارها در کمیسیون‌ها علیه سیاست اوپاما در این پرونده سخنرانی کرد. بسیاری از تحلیل‌گران نسخه اجرایی او را بسیار شبیه فعالیت‌های عوام‌آشوب‌های اخیر ایران می‌دانند و اصلاً گویی هدف، اجرای مو به موی دستورات همان نسخه بوده. او به ترامپ پیشنهاد کرده بود که دو خط را علیه ایران به موازات هم پی بگیرد: خط تشدید فشار اقتصادی و تحریم علیه ایران به موازات حمایت از آن بخشی از عناصر اپوزسیون ایران که سابقه اقدامات شرارت‌آمیز دارند (مشخصاً گروهک تروریستی منافقین).<sup>۱</sup>

او همچنین در *وال استریت ژورنال* نوشت: «برای مقابله با تهدید ایران، دولت ترامپ باید راهکاری از نسخه رونالد ریگان که علیه شوروی به کار گرفت را علیه ایران تکرار کند.» او می‌گوید: «اساس راهبرد ریگان، شناخت این موضوع بود که شوروی انقلابی و متجاوز اما از درون شکننده بود و باید شکست داده می‌شد. این دستور، راهبردی جامع بود که از ابزارهای قدرت آشکار و نهان امریکا استفاده می‌کرد. این طرح شامل دفع گسترده، جنگ اقتصادی، حمایت از نیروهای نیابتی ضد شوروی و مخالفان آن و اقدامات تهاجمی علیه مشروعیت ایدئولوژی آن رژیم می‌شد.» او پیشنهاد می‌دهد: «ترامپ باید علیه دولت ایشان بر خوردی مهاجمانه داشته باشد. دولت ترامپ باید هوشمندانه علاوه بر برنامه هسته‌ای همه ابعاد تهدیدی ایران را مورد خطاب قرار دهد. تمرکز نادرست اوپاما بر خلع سلاح، سیاست امریکارا فلج کرد و همچنین پیشنهاد دیگر او از کار انداختن قدرت ایران در تک تک کشورهای غرب آسیا می‌باشد.»

دوبو ویتز می‌گوید:

تمام اقدامات واشنگتن علیه ایران باید مبتنی بر تضعیف اقتصاد ایران باشد. این اقدامات قدرتمند باید سپاه پاسداران را هدف قرار دهد. تحریم‌های جدید که سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار



می‌دهد و اعمال تحریم مرتبط با ایران در سال جاری برای شروع خوب است که این تحریم‌ها می‌تواند مانع وقوع جنگ اسرائیل با حزب‌الله لبنان شود.<sup>۱</sup>

اما بنیاد دفاع از دموکراسی در ایام اغتشاشات دی ماه ۹۶ هم بسیار فعال بود؛ به طوری که آدام جانسون نویسنده یادداشت «سازمان‌هایی که در حوزه راستی‌آزمایی رسانه‌ای فعالیت می‌کنند» به نقش اندیشکده دست راستی و حامی اسرائیل یعنی «بنیاد دفاع از دموکراسی» پرداخت و خاطر نشان کرد:

در پنج روز گذشته این بنیاد یادداشت‌هایی در رسانه‌های منتقد امریکا همچون *وال استریت ژورنال*، *نیویورک تایمز*، *نیویورک پست* و *پالیسیکو* منتشر کرد و در دو رسانه دیگر از آن نقل قول شد. پژوهش‌های این بنیاد به وسیله حمایت بدبینانه از معترضان ایرانی، عوام‌فریبی درباره رژیم ایران و نفرت از برجام متمایز است.

برای سال‌ها لغو برجام، خواست سیاسی اولیه بنیاد دفاع از دموکراسی بوده است و به نظر می‌رسد که این بنیاد ناآرامی‌های اخیر ایران را بهانه خوبی برای توجیه لغو توافقی یافته که برای مدت طولانی با آن مخالفت کرده است. اعضای بنیاد دفاع از دموکراسی همزمان با اعتراضات ایران و نیز فرارسیدن موعد صدور تأییدیه برجام توسط ترامپ فعال شدند. نمونه‌های از یادداشت‌هایی که توسط پژوهشگران این بنیاد به تنهایی یا به طور مشترک قرائت شده و اخیراً در رسانه‌های امریکایی منتشر شده به شرح زیر است:

۱. حکومت دینی ایران بر روی پر تگاه است.<sup>۲</sup>
  ۲. جایی که ما می‌توانیم در آن درباره ایران توافق کنیم.<sup>۳</sup>
  ۳. فوران در ایران، این فقط اقتصاد نیست، احمق.<sup>۴</sup>
  ۴. بدترین چیز برای معترضان ایرانی؟ سکوت امریکا.<sup>۵</sup>
  ۵. آنچه که واشنگتن برای حمایت از معترضان ایرانی می‌تواند انجام دهد.<sup>۶</sup>
- به عنوان نمونه دوبو ویتز و دنیل شاپیرو سفیر سابق امریکا در اسرائیل طی

۱. «با ایران همانند برخورد ریگان با شوروی برخورد کنید»، ۱۷/۴/۱۳۹۶؛

<https://www.mashreghehnews.ir//mshrgheh.ir/746573>

۲. مارک دوبو ویتز و ری تکبیه، *وال استریت ژورنال*، ۱۸/۱/۲۰.

۳. مارک دوبو ویتز و دنیل شاپیرو، *پالیسیکو*، ۱۸/۱/۲۰.

۴. کلیفورد دی سی، *واشینگتون تایمز*، ۱۸/۱/۲۰.

۵. روفل مارک گرخت، *نیویورک تایمز*، ۱۸/۱/۲۰.

۶. ریچارد گولدنبرگ و جمی فلائی، *نیویورک پست*، ۱۸/۱/۲۰، «حامی دلسوز مردم ایران ۲۵۰۰ کلمه درباره

بمباران مردم ایران نوشت»؛ [www.fararu.com/fa/news/343921](http://www.fararu.com/fa/news/343921)

دوبو ویتز معتقد است که ساختار سیاسی ایران از چنان ویژگی‌ای برخوردار است که بتوان آن را ناپایدار و بحرانی کرد و از این طریق به هدف تغییر رژیم در ایران دست یافت

یادداشتی در مجله پالیسیکو به نحوه متحد شدن سیاستمداران امریکایی در قبال ایران پرداختند و نوشتند: «ایرانی‌ها به خیابان ریختند و خشم خود از فساد، تورم و بیکاری را فریاد زدند.» در این یادداشت ضمن ابراز امیدواری درباره تبدیل شدن تجمعات به خطری برای نظام، ادعا شد:

«امریکایی‌ها از هر دو حزب، باید سخن بگویند. ایرانی‌ها هم مانند معترضان در دیگر اماکن، دنبال حمایت خارجی هستند.» آنها برای حمایت از تجمعات ایران چند پیشنهاد مطرح کردند که به شرح زیر است:

نخست؛ مقامات سابق و کنونی امریکا باید به تلویزیون‌ها و رادیو‌ها هجوم برده و حمایت‌شان از آمل ایرانی‌ها را ابراز کنند. مالیات‌دهندگان امریکایی صدها میلیون دلار در صدای امریکا و رادیو فردا سرمایه‌گذاری کرده‌اند، بگذارید از آنها استفاده کنیم و سیاست را کنار بگذارید؛ نقض حقوق بشر توسط نظام فساد را محکوم کنید. دوم؛ کنگره باید در حمایت از تلاش‌های مردم ایران برای تأسیس آزادی‌های اساسی که ظهور یک سیستم سیاسی، آزادانه، باز و دموکراتیک را پایه‌ریزی می‌کند یک قطعنامه فراحزبی تصویب کند. سوم؛ کنگره باید با کمک رهبران جمهوری خواه و دموکراتیک، نظام را به خاطر «فساد و نقض حقوق بشر» هدف قرار دهد. چهارم؛ دولت ترامپ، با حمایت فراحزبی از بندهای ۴۰۲ و ۴۰۳ قانون کاهش خطر ایران و حقوق بشر سوریه، برای تهدید به اعمال تحریم علیه نهادهای جهانی که به ایران ابزار سرکوب و سانسور می‌دهند، استفاده کند. کاخ سفید باید اطمینان حاصل کند که شرکت‌هایی همچون تلگرام، توییتر و اینستاگرام با درخواست‌های نظام ایران برای بستن کانال‌هایی که معترضان از آنها برای ساماندهی و ارتباط استفاده می‌کنند، موافقت نکنند.

در پایان یادداشت ادعا شده: «این یک لحظه مهمی است؛ اعتراضات ایران می‌تواند یک روزی به وجود آوردن یک ایران صلح‌آمیز کمک کند. این هدف باید همه نخبگان سیاسی تفرقه‌زده ما را حداقل در یک مسئله متحد کند.»<sup>۱</sup> از این جهت است که به تعبیر

۱. «کارشناسان امریکایی الان وقت استفاده از رسانه‌های فارسی زبان امریکاست»



روزنامه *یدیعت/حارنوت*، مارک دوبو ویتز مردی است که امریکا نظر او درباره ایران را بر ۱۶ سازمان ترجیح می‌دهد.<sup>۱</sup> او نقش خود را به عنوان یک طراح در جریان آشوب‌های ایران به خوبی بازی می‌کند و می‌داند که دولت ترامپ به حرف‌های او توجه کامل دارد. او در فروردین ماه سال ۹۶ در گفت‌وگو با صدای امریکا هم گفته بود که دولت جدید امریکا به سال‌ها مدارا در برابر رژیم ایران پایان می‌دهد.<sup>۲</sup>

با روی کار آمدن ترامپ در امریکا و راهبردی که برای ایران تحت عنوان «ایران زیر نظر» مطرح کرده بود، بسیاری در داخل و خارج کشور احتمال حمله نظامی و درگیری جنگ سخت بین ایران و امریکا در دوره ترامپ را می‌دادند تا اینکه «اسکات مادل» افسر امنیتی امریکا و از متخصصان حوزه ایران در جلسه استماع کنگره مطالبی را بیان کرد. مادل در این جلسه در مقدمه بحثی که با عنوان «ایران زیر نظر» ارایه داد تأکید کرد که به رغم همه فشارها و اقداماتی که امریکا علیه ایران انجام داده و جمهوری اسلامی به رغم کاستی و کوتاهی‌هایی که دارد، در شرف سقوط نیست. او همچنین افزود که در حال حاضر شرایط لازم برای اصلاحات عمده در ایران یا «بهار پاریسی» وجود ندارد. مادل ضمن اشاره به شاخص‌هایی درباره استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران پیشنهاداتی را به دولت امریکا برای مقابله با ایران در دوره جدید ارایه کرد که به نظر می‌رسد برخی رویکردهای ساختار شکنانه که در روزهای آغازین زمستان ۹۶ در بعضی از نقاط کشور انجام شد بدون شباهت با طرح هفت‌بندی «مهار ایران» توسط اسکات مادل نباشد.<sup>۳</sup>

با آن که رؤسای جمهور امریکا در برهه‌های مختلف راهبردهای گوناگونی در قبال ایران معرفی کردند، ترامپ هم در مدت حضور خود مواضع و راهبردهای مختلفی نسبت به ایران داشته؛ ولی فصل مشترک همه آنها «جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران» به طرق مختلف از جمله تغییر رژیم می‌باشد.

## نقش اسکات مادل در طراحی اغتشاشات

اسکات مادل<sup>۴</sup> از جمله افسران سازمان سیا است که در حدود سیزده سال در اداره عملیات این سازمان در بسیاری از کشورها از جمله افغانستان فعالیت کرده است. او که

۱. «مردی که امریکا نظر او را درباره ایران بر ۱۶ سازمان ترجیح می‌دهد»؛

[www.asremrooz.ir/vdcd29056gt05a2.html](http://www.asremrooz.ir/vdcd29056gt05a2.html)

2. [www.voanews.com/a/3780538.htm](http://www.voanews.com/a/3780538.htm)

3. [th.ai/1616986](http://th.ai/1616986)

4. Scott Modell

سابقه فعالیت ضد ایرانی در کارنامه خود دارد.<sup>۱</sup>

در اسفندماه سال ۹۵ در جلسه مهمی در کنگره، سیاست‌های دولت ترامپ درباره ایران را در هفت بند مشخص کرد. نظریات او که سال‌ها تجربه کار در منطقه غرب آسیا را در کارنامه خود دارد در مورد مقابله و مهار ایران بسیار قابل توجه و تأمل است. وی که به زبان فارسی نیز مسلط است در این نسخه که در واقع می‌توان آن را «طرح مهار ایران» نامید به طور خلاصه و فهرست‌وار به موارد بسیار مهم و قابل توجهی اشاره می‌کند. در این نوشتار به بررسی توصیه‌های این افسر امنیتی به دولت ترامپ جهت مهار جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت که به نوعی نقشه راه مهمی را برای دولت امریکا به منظور مواجهه با ایران مطرح کرد.

مادل در این جلسه در مقدمه بحثی که با عنوان «ایران زیر نظر» ارایه داده تأکید کرد که با همه فشارها و اقداماتی که امریکا علیه ایران انجام داده «جمهوری اسلامی به رغم کاستی‌ها و کوتاهی‌هایی که دارد، در شرف سقوط نیست». او همچنین افزود که در حال حاضر شرایط لازم برای اصلاحات عمده در ایران یا «بهار پارسی» وجود ندارد. مدل در ادامه ضمن اشاره به شاخص‌هایی درباره استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران پیشنهاداتی را به دولت امریکا برای مقابله با ایران در دوره جدید ارایه کرد و گفت: «اگر این پیشنهادات اجرایی شوند باعث سنگین‌تر شدن تصمیمی خواهد شد که مایکل فلین مشاور سابق امنیت ملی امریکا درباره ایران گرفته بود و به ایران اخطار داده بود.» در ادامه به طرح مختصر سند هفت‌بندی مدل پرداخته می‌شود.

## ۱. رویکرد رسانه

### ۱.۱. تغییر رویکرد صدای امریکا

صدای امریکا باید پنجره‌ای برای واشنگتن در راستای سیاست امریکا در قبال ایران باشد. وی در بخشی از صحبت‌های خود به تفسیر رویکرد در بازه‌های رسانه‌ای سازمان سیا و وزارت خارجه امریکا اشاره کرد و گفت: باید تغییرات اساسی در ساختار برنامه‌سازی «صدای امریکا» و بخش «رادپو فردا» ایجاد شود. هم‌اکنون این رسانه‌ها به علت برنامه‌سازی‌های ضعیف و آبیکی در بدترین وضعیت خود قرار دارند. او تأکید کرد: همگرایی و ادغام رادپو آزاد اروپا و صدای امریکا با سیاست امریکا در قبال ایران باید صورت گیرد. رادپو آزاد و صدای امریکا باید فراتر از گزارش اخبار فعالیت کنند. این دو باید جایی برای انعکاس سیاست امریکا در قبال ایران باشد و بهره بردن از اختلافات

1. rajanews.com/news/264531



درونی حکومت ایران، تقویت اصلاح‌طلبان، تبلیغات برای درخواست انجام انتخابات آزاد، تضعیف حمایت بین‌المللی از ایران و برجسته کردن ارتباط ایران با بی‌ثباتی‌های منطقه را در دستور کار خود قرار دهند. صدای آمریکا باید مانند پنجره‌ای برای واشنگتن در راستای سیاست آمریکا در قبال ایران باشد.

### ۱.۲. انتشار اخبار ساختگی و دروغ از ایران

مدل در بخش دیگری از پیشنهادات خود به رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه تأکید می‌کند اخبار مربوط به کارگران، کارخانه‌ها، فعالان حقوق زنان و معلمان باید انعکاس بیشتری داده شوند، حتی اگر این اعتراضات محلی و کوتاه‌مدت باشند.

### ۱.۳. فراهم کردن وایرلس در نقاط مرزی ایران

افسر ارشد اطلاعاتی آمریکا در بخش دیگر اظهاراتش پیشنهاد کرد کنگره باید اطمینان حاصل کند که صدای آمریکا و رادیو آزاد اروپا (رادیو فردا) و دیگر برنامه‌ها توانایی ارسال اخبار به ایران را دارند. این اقدام شامل استفاده از سیگنال‌های بی‌سیم (وایمکس) در مناطقی مانند کردستان است و متحدان مادر منطقه در این راستا نقش بالقوه‌ای می‌توانند داشته باشند.

### ۱.۴. فعالیت‌های آبادانی و اقتصادی سپاه باید مورد توجه واقع شوند.

مدل در بخش دیگری از پیشنهادات خود به رسانه‌هایی مانند صدای آمریکا و رادیو فردا، مورد توجه قرار دادن فعالیت‌های اقتصادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را مورد تأکید قرار می‌دهد که باعث بدبین شدن نظر مردم نسبت به پشتیبان انقلاب اسلامی شود. مدل تأکید می‌کند این رسانه‌ها باید گزارشات مفصلی درباره فساد اقتصادی در ایران تهیه کنند و روی آن مانور دهند.

## ۲. تشدید موج جنگ اطلاعاتی علیه ایران

او می‌گوید این رسانه‌ها باید روی خشم عمومی و اشتیاق برای سخن گفت علیه حکومت تمرکز کنند. وی پیشنهاد می‌دهد مواردی مانند حقوق زنان، حقوق معلمان، ایجاد تفرقه‌های قومی و مذهبی، افزایش تنش‌ها و ایجاد بحران‌های اجتماعی از معضلات موجود مثل آلودگی هوا، ایجاد جنبش‌های کوچک اما سازمان‌دهی شده، تمرکز روی موضوع بیکاری جوانان حداکثر در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران باید بزرگ‌نمایی شوند تا بتوان روی ذهنیت مردم ایران تأثیر گذاشت.

مرتب کردن فعالیت‌های ایران با گروه‌های تروریستی در منطقه برای تخریب وجهه تهران

مادل اظهار می‌کند باید اطلاعاتی که نشان‌دهنده ارتباط میان ایران با القاعده طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی هستند افشا شود. او می‌افزاید ایران با موفقیت، رهبری علیه تروریسم را از آن خود کرده در حالی که رهبری این مبارزه باید در دست امریکا باشد.

### ۳. کمک گرفتن از سعودی‌ها برای ضربه زدن به ایران

مادل می‌گوید: این اقدام باید همزمان با انتشار اخباری درباره حمایت شورای همکاری خلیج فارس از شبه‌نظامیان مسلح انجام پذیرد. امریکا در صورتی از این اقدامات بهره خواهد برد که بتواند وضعیت نابسامان تمام طرف‌ها در منطقه را نشان دهد. جانشین ولیعهد عربستان و هم‌نسل‌های او نیز که خواهان تعریف جدیدی از پادشاهی در عربستان هستند می‌توانند به عنوان همکار مؤثر باشند.

### ۴. استمداد از سازمان سیا برای تمرکز بر ایران

اما یکی از مهم‌ترین پیشنهادات مادل تشویق نخبه‌ها برای خروج از ایران و همچنین جاسوس‌گیری از داخل ایران است. وی می‌گوید: در حال حاضر سازمان سیا این اجازه را دارد که سالانه ۲۰۰۰ گرین کارت به افرادی دهد که کمک‌های قابل توجهی به سازمان‌های اطلاعاتی امریکا می‌کنند و تلاش‌های مخفیانه زیادی در راستای کمک به سازمان‌های اطلاعاتی امریکا انجام می‌دهند. این آمار باید به میزان قابل توجهی افزایش یابد تا تعداد نخبگان جدا شده از حکومت ایران افزایش پیدا کنند و نیز موجب تحریک دانشمندان و متخصصان ارشد سازمان‌های حساس حکومت ایران مانند سازمان‌های هسته‌ای برای «فرار مغزها» شود. ما باید متحدان اروپایی خود را نیز تشویق به انجام این کار کنیم.

### ۵. فشار بر ایران به بهانه‌های حقوق بشری

مادل بخش دیگری از پیشنهادات خود را به فشار آوردن بر ایران در حوزه حقوق بشر اختصاص داد. وی تصریح کرد افشای دامنه نقض حقوق بشر در ایران به وسیله اضافه



کردن نام افراد ایرانی به فهرست ماگنیتسکی<sup>۱</sup> (لیستی که برخی از مقامات روسیه در آن قرار دارند) یا با ایجاد کردن لیستی مخصوص برای ایران لازم است. همچنین کنگره باید با تصویب قانونی، دولت را موظف به ارائه گزارش هر سه ماه یکبار درباره فساد و نقض حقوق بشر در ایران کند. وی تأکید کرد کنگره باید بودجه‌ای برای این کار در نظر بگیرد.

## ۶. دامن زدن به فتنه مذهبی در جهت اهداف خاص

افسر ارشد سازمان اطلاعات امریکا ایجاد فتنه مذهبی در قم و نجف را نیز در فهرست پیشنهادات خود قرار داد. مادل اعتقاد دارد باید میان مراجع عظام تقلید قم و نجف اختلاف ایجاد کرد و از این تفرقه سود برد. در این راستا مادل صراحتاً اعلام می‌کند باید از افرادی مانند صادق شیرازی حمایت قاطع کرد.

## ۷. تشدید ایرانی‌هراسی در میان کشورهای عرب منطقه

افسر ارشد سازمان اطلاعات امریکا گفت امریکا باید با فراهم کردن سیستم موشک دفاعی و تضمین‌های امنیتی و آموزش و پشتیبانی آشکار از بحرین و متحدان امریکا در شورای همکاری خلیج فارس در برابر طیفی از تهدیدات نامتقارن ایران در منطقه بایستد. وی می‌افزاید: امریکا همچنین باید عرب‌ها و بقیه همکاران عرب‌شان در شورای همکاری خلیج فارس را به حفظ استراتژی خود در راستای مقابله با تجاوزهای ایران در منطقه تشویق کند. به خصوص ریاض در جنگ یمن و سوریه فهمیده است که یک الگویی در منطقه وجود دارد که تا چندین سال ادامه خواهد داشت و ایران از طرفی برای چندین دهه در حال جنگ نیابتی و جنگ سایبری و اشکال مختلف از عملیات مخفی بوده و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای توازن قدرت در منطقه باید تلاش بیشتری کنند. مادل گفت امریکا باید با تهدیدات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مزاحمت‌ها در خلیج (فارس) برخورد نظامی داشته باشد.

۱. سرگئی ماگنیتسکی وکیل روسی شرکت سرمایه‌گذاری انگلیسی «هرمیتاز» پس از دستگیری به جرم فرار مالیاتی در سال ۲۰۰۹ در بازداشتگاهی در مسکو درگذشت و مرگ وی به موضوعی مناقشه‌برانگیز در روابط روسیه و برخی کشورهای غربی به سرکردگی امریکا تبدیل شده بود. «روسیه اقدام امریکا را تلافی کرد»؛



## تحلیل سند هفت‌بندی اسکات مادل

هفتاد سال پیش یکی از دیپلمات‌های امریکا در روسیه متنی محرمانه را از مسکو به واشنگتن مخابره کرد که برخلاف پیام‌های مرسوم و دیپلماتیک بود. این پیام که بیش از ۵ هزار واژه بود به «تلگرام طولانی» شهرت یافت. جولای ۱۹۴۷ مقاله‌ای بلندبالا در نشریه مشهور امریکایی *فارن/حرز* تحت عنوان «ریشه‌های رفتار اتحاد جماهیر شوروی» به چاپ رسید. مقاله بر

خلاف رویه معمول با امضای «آقای ایکس» منتشر شده بود. به زودی مشخص شد نویسنده این مقاله همان کسی است که سال گذشته «تلگرام طولانی» را به واشنگتن مخابره کرده بود. هر دو متن، محتوایی مشابه داشتند. آقای ایکس، جرج کنان دیپلمات امریکایی بود و متن مذکور به مقاله ایکس شهرت یافت و اهمیت آن در این بود که پایه‌گذار سیاست راهبردی امریکا در مواجهه با اتحاد جماهیر شوروی در نیم قرن رقابت این دو ابرقدرت شد.

مقاله جرج کنان حاصل سال‌های متمادی تحقیق و مطالعه درباره فرهنگ، جامعه و سیاست شوروی بود. ترومن رئیس‌جمهوری وقت امریکا بر اساس همین متن، دکترین خود را بنیان نهاد و رؤسای بعدی امریکا نیز همین راهبردارا در پیش گرفتند؛ راهبردی که در ادبیات سیاسی به (سد نفوذ) شهرت دارد. جرج کنان بعدها از کار دیپلماتیک رسمی کناره گرفت و به سیاست امریکا انتقاد داشت و معتقد بود واشنگتن پیام تئوری وی را دریافت نکرده است. اگرچه قسمت اعظم راهبرد آنان معطوف به مهار و سد نفوذ شوروی در برابر امریکا بود اما به موازات آن وی معتقد بود واشنگتن در کنار رقابت، تضعیف و مهار مسکو باید رابطه و گفت‌وگو با شوروی را نیز پیش ببرد. آنچه در سال‌های پایانی عمر اتحاد جماهیر شوروی رخ داد و در نهایت به فروپاشی آن منجر شد، دوستی نظرهای جرج کنان را اثبات کرد. واشنگتن در آن سال‌ها از در مذاکره و گفت‌وگوی به اصطلاح سازنده و در جهت کاهش تنش‌ها با رقیب خود در آمد. کنان معتقد بود اگر این سیاست از ابتدا به اجرا گذاشته می‌شد، جنگ سرد نیم قرن به طول نمی‌انجامید و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی خیلی زودتر از اینها اتفاق می‌افتاد. نشریه *تلاتنیک* اخیراً در مقاله‌ای به سیاست دولت ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی پرداخته و ضمن تأیید مواضع خشن کاخ سفید علیه تهران می‌نویسد این رویکرد به تنهایی کافی نیست:

مادل ضمن اشاره به شاخص‌هایی درباره استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران پیشنهادهایی را به دولت امریکا برای مقابله با ایران در دوره جدید ارایه کرد که به نظر می‌رسد برخی رویکردهای ساختارشکنانه که در روزهای آغازین زمستان ۹۶ در بعضی از نقاط کشور انجام شد بدون شباهت با طرح هفت‌بندی «مهار ایران» توسط وی نباشد



دو سیاست متضاد در برخی مواقع می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و هنوز برای ترامپ دیده نشده است تا رویه خود را تغییر دهد. در این راستا، ترامپ می‌تواند از درس‌های باقی‌مانده از سیاست امریکا در قبال شوروی بهره‌برد که بر پایه آن استراتژی بلندمدت مهار صبورانه ولی هوشمندانه، پی‌گرفته شد و در نتیجه آن امریکا در قبال شوروی به پیروزی دست یافت.

آنچه آتلانتیک از آن به عنوان درس‌های سیاست امریکا در قبال شوروی و «مهار صبورانه ولی هوشمندانه» یاد می‌کند، در واقع ارجاع و برگردان از همان نسخه قدیمی «تلگرام طولانی» یا «مقاله ایکس» است.

نسخه هفت‌بندی اسکات‌مادل که در کنگره امریکا ارایه شد در واقع همان دستورالعمل است. نسخه‌ای که در واقع می‌توان آن را «طرح مهار ایران» نامید به طور خلاصه و فهرست‌وار به مواردی بسیار مهم و قابل توجه اشاره می‌کند. اولین جمله این طرح بسیار کلیدی است. مدل با ادبیاتی خصمانه تأکید می‌کند باید «پایه حمایت مردمی از رژیم» را هدف قرار داد. توجه به همین نکته کوتاه اما پر مغز برای تحلیل و بررسی بسیاری از مسائل کافی است و یک معیار اصولی و تعیین‌کننده به حساب می‌آید. از این جهت که هر اقدامی از سوی هر فرد، گروه، نهاد مسئول و... که موجب تضعیف اعتماد و حمایت مردم از نظام جمهوری اسلامی شود - اعم از آگاهانه یا ناآگاهانه - در واقع تکمیل‌کننده پازل دشمن و گاهی در راستای رسیدن دشمن به هدف مورد نظر خود است.

اصلی‌ترین نکته‌ای که مدل در ادامه مقدمه طرح خود به آن اشاره می‌کند آن است که با مطالعه منطقی و حساب‌شده، جمهوری اسلامی به هیچ عنوان در شرایط یک تغییر ناگهانی همه‌جانبه نیست و کاخ سفید باید رؤیای فروپاشی جمهوری اسلامی را کنار بگذارد. وی با ارایه جدول «شاخص‌های برجسته برای تغییر» در ایران از زمان انقلاب اسلامی تاکنون پیشنهادهای ارایه می‌دهد که<sup>۱</sup> به وضوح می‌بینیم آنچه در این طرح دیده شده بسیار شبیه عملکرد روزهای آغازین زمستان ۹۶ بود.

همان طوری که امریکایی‌ها پیش از این نیز حمله‌های فراوانی به سپاه پاسداران نمودند و تلاش‌های فراوانی برای بهره‌بردن ایران از برجام انجام دادند و همه اینها نمایانگر سیاست مشخص با هدف ضربه زدن به نظام اسلامی و در نهایت تغییر رژیم است؛ سیاستی که گاه با لبخند و گاه با تروریست خواندن ملت حاصل می‌شود. به

گونه‌ای که ادعای یک گزارش تحقیقی<sup>۱</sup> به قلم «نفیض مصدق احمد» نویسنده و روزنامه‌نگار تحقیقی انگلیسی و مدیر اندیشکده «تحقیقات و توسعه سیاسی» نشان می‌دهد که وزارت خارجه ترامپ بیش از یک میلیون دلار برای بهره‌برداری از ناآرامی‌ها در ایران هزینه کرده است. این گزارش می‌گوید دولت‌های مختلف آمریکا از سال ۲۰۰۶ به بعد سالانه ده‌ها میلیون دلار برای برنامه‌های موسوم به «ارتقاء دموکراسی» و به منظور براندازی پول خرج کرده‌اند.<sup>۲</sup>

## نقش سازمان سیا در اغتشاشات

بی‌شک نمی‌توان نقش سازمان جاسوسی سیا را در جریان آشوب‌های کشور بی‌تأثیر دانست. روزنامه‌های متعدد امریکایی از ماه‌ها پیش، از اقدام سرویس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برای تشکیل اتاق مرکزی بزرگ اطلاعاتی و تعیین یک افسر کهنه‌کار امریکایی و معروف به توطئه‌چینی ضد ایران به ریاست این مرکز خبر داده‌اند. روزنامه *وال‌استریت ژورنال* در همین رابطه می‌نویسد آژانس جاسوسی مرکزی آمریکا هیئت ویژه‌ای را برای افزایش فشار بر ایران تشکیل داده که به صورت متمرکز بر جمع‌آوری اطلاعات و فعالیت‌های مربوط به ایران تلاش می‌کند.

بر اساس این گزارش این اقدام پس از آن صورت گرفت که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا تلاش کرد ایران را به عنوان مهم‌ترین و اولویت‌دارترین هدف جاسوسان امریکایی مطرح کند.

نقش این مرکز جمع‌آوری تحلیل‌گران و کارمندان و نخبگان عملیاتی از تمامی بخش‌های سرویس جاسوسی مرکزی آمریکا، جهت تقویت توانمندی‌های خود به ویژه در زمینه عملیات ربایش است. این مرکز نظیر مرکز جدید کره شمالی است که آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا در ماه‌های گذشته اعلام کرد برای مقابله با تلاش‌های این کشور جهت توسعه بمب‌های هسته‌ای تشکیل داده است.

مسئولان امریکایی معتقدند که تمرکز بر تهدیداتی که ایران می‌تواند ضد منافع و امنیت ملی آمریکا ایجاد کند، باعث تأسیس این مرکز جدید شده است. پمپئو و دونالد ترامپ منتقد توافق هسته‌ای هستند. پمپئو این توافق را یک اشتباه برای امنیت ملی آمریکا قلمداد می‌کند.

پیش از این نیز سرویس‌های جاسوسی آمریکا تحلیل‌گران و کارمندان اجرایی خود

1. [www.insurgeintelligence.com](http://www.insurgeintelligence.com)

2. [yjc.ir/fa/news/6406080](http://yjc.ir/fa/news/6406080)





طبق طرح‌های تدوین شده امریکایی، بهره بردن از اختلافات درونی حکومت ایران، تقویت اصلاح طلبان، تبلیغات برای درخواست انجام انتخابات آزاد، تضعیف حمایت بین‌المللی از ایران و برجسته کردن ارتباط ایران با بی‌ثباتی‌های منطقه باید در دستور کار قرار گیرد. صدای امریکا باید مانند پنجره‌ای برای واشنگتن در راستای سیاست امریکا در قبال ایران باشد

را تحت نظر یک مرکز واحد جمع‌آوری کرده بودند تا بتوانند تحولات ایران را به عنوان اتاق عملیات ایران تجزیه و تحلیل کنند. این بخش که به فارس معروف بود، یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های منطقه‌ای در سرویس‌های جاسوسی امریکا به شمار می‌رفت. تأسیس این مرکز تلاشی از سوی آژانس مرکزی امریکا برای جمع‌آوری تمامی نخبگان و جاسوسان ضد ایرانی در یک مکان است تا آنها اطلاعات را در کنار یکدیگر جمع‌آوری کنند.<sup>۱</sup>

پمپئو، «مایکل دی آندریا» افسر کهنه‌کار امریکایی را برای فرماندهی این مجموعه جدید انتخاب کرده است (این انتخاب درست ۷ ماه قبل از آشوب‌های داخلی ایران است) و از طرف روزنامه نیویورک تایمز تأیید می‌گردد؛ نکته ظریف این است که انتصاب، بعد از بازگشت ترامپ از اسرائیل و عربستان سعودی صورت گرفت؛ در حالی که رسماً ترامپ در عربستان ایران را دشمن امریکا معرفی کرده بود.<sup>۲</sup> چند روز بعد از پایان یافتن آشوب‌های ایران یکی از رسانه‌های امریکا با عنوان مقاله «آیا شلوغی‌های اخیر در بعضی شهرها اعتراض بود»<sup>۳</sup> به قلم فیلیپ گیرالدی (افسر سابق بخش ضد تروریسم CIA) رسماً به دست داشتن امریکایی‌ها در آشوب‌های ایران اذعان می‌کند. او در وبگاه استراتژی کالچر می‌نویسد دو نظریه درباره آشوب‌هایی که در ایران اتفاق افتاد وجود دارد. یک نظریه می‌گوید دلایل آشوب‌ها، عدم اعتماد به دولت مستقر در ایران است که منجر به نارضایتی گسترده و شورش ناشی از سوء مدیریت اقتصادی شده است. نظریه دیگر این است که ما شاهد دست‌های خارجی هستیم که می‌خواهند سناریوی کودتای ۱۹۵۳ در ایران که توسط CIA و MI-6 بریتانیا طراحی و اجرا شده و باعث سقوط دولت محمد مصدق شده بود را تکرار کند و در ادامه استراتژیک کالچر با بیان حمایت‌های مکرر ترامپ از اغتشاشگران در ایران این گونه فاش می‌کند که شواهد قابل

۱. در نوشتاری جداگانه خواهیم گفت که منظور از این به اصطلاح نخبگان و جاسوسان ضد ایرانی گروهک منافقین و سلطنت‌طلبان می‌باشند که در کنار بعضی از تفاله‌های باقی‌مانده حزب منحل‌بعضت به نقش آفرینی ویژه‌ای در اغتشاشات پرداختند.

۲. «خبر رسانه‌های امریکایی از برنامه‌ریزی برای اغتشاشات»، ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

توجهی وجود دارد که ایالات متحده و اسرائیل با متحدان عربستان سعودی، چندین مرکز فرماندهی در عراق و افغانستان برای پشتیبانی از اعتراضات ایجاد کرده‌اند. آنها حتی از شبکه‌های اجتماعی و پخش برنامه‌های رادیویی استفاده کرده‌اند تا مردم را تشویق کنند که به خیابان‌ها بیایند.

این مقاله سپس به نام بردن از یکی از کانال‌های تلگرامی (amadnews) که در آشوب‌ها ساختن سلاح‌های دستی را آموزش می‌دهد می‌گوید. این کانال‌ها توسط اشخاص فارسی‌زبانی اداره می‌شوند که به استخدام دولت امریکا درآمده‌اند تا اغتشاشات را مدیریت کنند. این یادداشت به نقل از عذرا کوهن واتینک (مدیر سابق برنامه‌های اطلاعاتی شورای امنیت ملی امریکا) می‌گوید که کاخ سفید قصد دارد از جاسوسان امریکایی برای «تغییر رژیم» در ایران استفاده کند.

در نهایت استراتژیک کالچر نتیجه‌گیری می‌کند که مردم ایران از وضعیت اقتصادی‌شان ناراضی هستند اما عوامل خارجی نقش برجسته‌ای در افزایش ناآرامی‌ها ایفا کردند.<sup>۱</sup>

## نقش مایکل دی آندریا در اغتشاشات

به فاصله چند روز بعد از ناآرامی‌های بعضی از نقاط کشور برخی از مسئولین نظام جمهوری اسلامی نام عده‌ای از افراد و سازمان‌های مختلف که در آشوب‌ها نقش مهمی داشتند را بیان و نقشه‌های آنان را برای مردم بازگو می‌کنند. دادستان کل کشور (حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری) در ۱۴ دی ماه در مدرسه دارالشفای قم اولین مقام رسمی کشور بود که صریحاً نام مایکل دی آندریا را می‌آورد و او را یکی از طراحان اصلی پروژه ایجاد ناآرامی در کشور می‌نامد. او با اعلام اینکه پروژه «دکترین هم‌گرایی نتیجه‌بخش» نتیجه همکاری سه ضلع امریکا و صهیونیست‌ها و سعودی‌ها بود که با ایجاد پویش‌های مردمی به دنبال آشوب و در نهایت سقوط نظام بودند افزود طرحی با استفاده از فرصت اعتراض مردم و با استفاده از شعارهای جذاب تحت عنوان «نه به گرانی»، «نه به پرداخت قبوض» و «پویش مال باختگان و بازنشستگان» در کشور به راه انداخته شده بود که برای اجرای آن طرق مختلفی بحث و تبادل نظر شد و به جای طرح تونسسی (از مرکز به شهرهای کوچک)، طرح لیبیایی (از شهرهای کوچک به مرکز) انتخاب و اجرا شد.

اما مایکل دی آندریا اسمی نبود که ناآشنا باشد؛ او برای ایرانیان از خردادماه





۹۶ رسانه‌ای شده بود؛ همان هنگامی که به دستور مستقیم ترامپ و با حکم پمپئو به عنوان رئیس اتاق عملیات جدید برای جاسوسی از ایران منصوب شده بود.

## مایکل دی آندریا کیست؟

«مایکل دی آندریا» در سالی نامعلوم در ایالت ویرجینیا به دنیا آمد. او سرنوشتش از دو دهه قبل با سیا گره خورده بود. اگر چه گفته می‌شود دی آندریا اکنون ششمین دهه از عمر خود را می‌گذراند، اما تاریخ تولد و سن او مشخص نیست. با وجود این آنچه می‌دانیم این است که وی در سال ۱۹۷۹ به سیا پیوست. هر چند تا پیش از آوریل ۲۰۱۵ کسی از نام او خبر نداشت.

دی آندریا بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ صرفاً با نام‌های مستعار شناخته می‌شد. همکارانش وی را با نام‌هایی از قبیل «عهده‌دار»، «شاهزاده تاریکی»، «آیت‌الله مایک» و «راجر» شناسایی می‌کردند. سایر مردم جهان نیز از سال ۲۰۱۲ او را با نام «گرگ» شناختند؛ شخصیتی در فیلم هالیوودی و شناخته‌شده «سی دقیقه پس از نیمه شب» درباره عملیات ترور اسامه بن لادن که برگرفته از نقش دی آندریا در عملیات ترور بن لادن بود. غیر از این نام‌ها تا سال ۲۰۱۵ اطلاعات اندکی درباره او در دسترس بوده، مثلاً اینکه همکارانش درباره او می‌گفتند به کت و شلوارهای رنگ تیره علاقه‌مند است، اخلاق بدی دارد، به شدت به سیگار معتاد است.

بخش دیگری از زندگی دی آندریا که تعجب‌برانگیز است، داستان ازدواج او با یک زن مسلمان به نام «فریده کوریمجی» در کشور جزیره‌ای «موریس» (تبعیدگاه رضاشاه پهلوی) در آفریقا و مسلمان شدن اوست. وی مدتی طولانی که در آفریقا برای انجام مأموریت اعزام شده بود، با کوریمجی که ۱۰ سال از او بزرگ‌تر بود آشنا شده و حتی حاضر شده بود برای ازدواج با او مسلمان شود؛ اقدامی که به احتمال نام مستعار «آیت‌الله مایک» را برای او به ارمغان آورده است. البته گفته می‌شود دلیل ازدواج دی آندریا با کوریمجی لزوماً عشق و عاشقی نبوده بلکه ثروت و تجارت گسترده خانوادگی کوریمجی‌ها در آفریقا در زمینه‌های متنوعی از جمله ارتباطات، رسانه، املاک و مستغلات، تورسیم، خدمات مالی و انرژی بوده است که می‌توانسته پوشش مناسبی را برای عملیات‌های مخفیانه دی آندریا فراهم کند. ضمن اینکه دی آندریا با گرویدن ظاهری به اسلام (بدون اینکه التزام اعتقادی به اسلام پیدا کند) می‌توانسته راحت‌تر اذهان اطرافیان را از مأموریت واقعی‌اش در آفریقا منحرف کند.

## مایکل دی آندریا و نقش او در کشتارهای پهبادی سیا

چنانچه گفته شد اختفای دی آندریا پشت نام‌های مستعار در ماه آوریل پایان پذیرفت و یک ماه بعد از آن که وی نه سال سمت خود به عنوان «مدیر مرکز مبارزه با تروریسم» سیارا ترک کرد، مارک مازتی خبرنگار نیویورک تایمز هویت او را افشا کرد؛ اقدامی که با انتقادات شدید وی مواجه شد، اما نیویورک تایمز از آن پا پس نکشید. مازتی توضیح داد که دی آندریا چگونه از آغاز برنامه بازداشت و بازجویی سیا به عنوان مدیر عملیات‌های این سازمان در شکنجه افراد بازداشت‌شده دست داشته و سپس در سمت مدیر مرکز مبارزه با تروریسم نیز طراح و حامی یک تنه برنامه کشتار هدفمند سیا با حملات پهبادی به ویژه در پاکستان و یمن بوده است. برخلاف انتظار، تأثیرگذارترین نقش دی آندریا طی حدود ۴۰ سال خدمتش در سیا و آنچه احتمالاً دی آندریا را نزد مقامات امریکایی و سیا محبوب کرده است رهبری وی در عملیات ترور بن لادن در سال ۲۰۱۱ نبود، بلکه جلوگیری وی از مختومه شدن برنامه حملات پهبادی سیا در کشورهایمانند پاکستان بعد از رسوایی بزرگی بود که در سال ۲۰۱۵ به وجود آمد.

اولین روزهای سال ۲۰۱۵ یک شهروند امریکایی و شهروند ایتالیایی که به دست القاعده اسیر شده بودند در یکی از حملات پهبادی سیا کشته شدند. اعتراف سیا به اینکه از حضور این دو شهروند غربی در محل بمباران اطلاعی نداشته است، انتقادات از برنامه کشتارهای هدفمند پهبادی امریکارا به اوج خود رساند و حتی او با ما را مجبور به عذرخواهی رسمی در این باره کرد. اما نهایتاً دی آندریا بود که در جلسات مخفیانه با اعضای کنگره توانست نمایندگانی از هر دو حزب امریکارا متقاعد کند تا رأی به ادامه حملات پهبادی در خارج از مرزهای امریکا بدهند.

### دی آندریا، یکی از عاملان حادثه ۱۱ سپتامبر

یکی از بخش‌های مهم و رزومه دی آندریا که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد، نقش او در شکل‌گیری حادثه ۱۱ سپتامبر است. چنان که جین میر (خبرنگار سرشناس مجله نیویورکر امریکا) در کتاب تأثیرگذار خود جنبه تاریکی، داستان واقعی چگونگی تبدیل «جنگ با تروریسم» به جنگ با ایده‌آل‌های امریکایی توضیح می‌دهد، دی آندریا مأموریت خود در باره ردیابی «نواف الحمزی» یکی از هواپیماربایان عربستانی در حوادث ۱۱ سپتامبر را انجام نداده بود. هنگامی که الحمزی وارد امریکا شد، سیا از این مطلب خبر داشت، هم زمان، یکی از مأموران FBI به نام «داگ میلر» و عضو واحد اطلاعاتی تعقیب‌کننده اسامه بن لادن، یادداشتی را درباره ارتباط الحمزی با تروریست‌ها نوشت





و قصد داشت آن را با FBI در میان بگذارد تا بتوانند این فرد مظنون را ردیابی کنند. با وجود این، مقام مافوق میلر یعنی مایکل دی آندریا که آن زمان صرفاً با نام «مایک» و به عنوان یکی از اعضای واحد بن لادن در مرکز مبارزه با تروریسم سیا شناسایی می‌شد، به وی دستور داد تا از تسلیم یادداشت خود به FBI خودداری کند. دی آندریا سه ساعت بعد از آن که میلر بار دیگر درخواست کرد تا یادداشت خود را تحویل مقامات FBI بدهد، به مقامات مافوق خود در سیا اعلام کرد که یادداشت را به FBI تحویل داده است. به این ترتیب مقامات سیا تصور می‌کردند که FBI از موضوع یادداشت میلر اطلاع دارد، در حالی که واقعیت چیز دیگری بود. اظهارات یکی از اعضای کمیسیون تحقیقات ۱۱ سپتامبر نشان می‌دهد که دی آندریا بعدها دریافت هر گونه اطلاعاتی درباره الحمزی را انکار کرده است. عجیب‌تر اینکه وی بعد از ۱۱ سپتامبر حتی ترفیع رتبه هم دریافت کرده بود.

### نقاط قوت و ضعف دی آندریا

رزومه دی آندریا شامل موفقیت‌ها و شکست‌های زیادی است. علاوه بر گسترش برنامه حملات پهلپادی سیا و عملیات ترور بن لادن، یکی از این موفقیت‌ها ترور «عماد مغنیه» از رهبران برجسته حزب الله لبنان در شهر دمشق سوریه و یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های وی، اشتباه در شناسایی «همام البلوی» بود. البلوی پزشک اردنی و جاسوس سه جانبه بود که در سال ۲۰۰۹ هم زمان با نفوذ در سازمان اطلاعات اردن و سیا خود را فردی معرفی کرد که می‌تواند در القاعده نفوذ کند و اطلاعات ارزشمندی را از «ایمن الظواهری» رهبر کنونی القاعده و جانشین اسامه بن لادن برای اردن و آمریکا جمع‌آوری کند. این در حالی بود که البلوی در حقیقت وابسته به گروه‌های افراط‌گر بود و توانست از ذوق‌زدگی افرادی مانند مایکل دی آندریا که تصور می‌کردند بالأخره می‌توانند یک عامل نفوذی در القاعده پیدا کنند سوءاستفاده نمایند. وی در دسامبر ۲۰۰۹ در حالی که یک کمر بند انفجاری پوشیده بود در جلسه معارفه‌ای در یکی از پایگاه‌های سیا در شهر خوست افغانستان حاضر شد و هنگام دیدار با چندین مأمور سیا خود را منفجر کرد. این حادثه به کشته شدن هفت افسر سیا منجر شد و دی آندریا به شدت زیر سؤال رفت تا جایی که یکی از دلایل برکناری وی از سمت ریاست مرکز مبارزه با تروریسم سیا را همین حادثه دانسته‌اند.



وزارت خارجه ترامپ پیش از یک میلیون دلار برای بهره‌برداری از ناآرامی‌ها در ایران هزینه کرده است. یک گزارش می‌گوید دولت‌های مختلف آمریکا از سال ۲۰۰۶ به بعد سالانه ده‌ها میلیون دلار برای برنامه‌های موسوم به «ارتقاء دموکراسی» و به منظور براندازی پول خرج کرده‌اند

## چرا دی‌آندریا برای رهبری عملیات‌های ضد ایرانی سیاست‌انتخاب شد؟

دی‌آندریا طی سال‌های خدمتش در سیا نشان داد مرد روزهای سخت است و ترامپ هم می‌داند مقابله با ایران، احتمالاً بزرگ‌ترین چالش پیش روی دولت اوست. هر چه باشد آمریکا در ایران سفارت ندارد و جمهوری اسلامی هم در طی تاریخ حدود ۴۰ ساله روابط با آمریکا نشان داده است که همواره در مقابل

افرادى که تصور کند ممکن است برای واشنگتن کار کنند هوشیار و مراقب است. با وجود این «مایکل مورل» معاون سابق مدیر سیا دی‌آندریا را یکی از بهترین مأموران اطلاعاتی نسل خود توصیف می‌کند. همچنین «رابرت ایتینگر» از کلاهی سابق سیا، دی‌آندریا را برای مدیریت عملیات‌های ضد ایرانی مناسب می‌داند و می‌گوید که وی می‌تواند برنامه به شدت تهاجمی را مدیریت کند اما به شکلی هوشمندانه.<sup>۱</sup>

به هر حال ملت ایران شکست دیگری را به کارنامه دی‌آندریا افزودند ولی این به منزله پایان کار «شاهزاده تاریکی» نخواهد بود و لازم است همه خصوصاً دستگاه‌های امنیتی هوشمندانه مراقب دسیسه‌های او و امثال او باشند.

## نقش اندرو پیک در اغتشاشات

با آن که در زمان ریاست جمهوری او با ما دستگاه دیپلماسی دولت وی تمایل به قدم زدن در کنار رودخانه و گفت‌وگوهای دیپلماتیک داشت، دولت ترامپ به هیچ وجه تمایلی به ادامه چنین سیاستی نداشت. از این رو به دستور تیلرسون وزیر خارجه ایالات متحده مدیریت بخش ایران وزارت خارجه به یک فعال ستاد انتخاباتی ترامپ و فردی گمنام در عرصه سیاست و یک افسر اطلاعاتی سابق ارتش به نام «آندرو ال پیک» واگذار می‌گردد.

آل پیک کاپیتان سابق نیروهای ذخیره ارتش آمریکا و تحصیل کرده علوم جنگی در مقطع دکتری در دانشگاه جان‌هاپکینز است. او از مشاوران سابق دو سناتور جمهوری خواه (گوردن اسمیت و مایک جاناس) بوده است که نقش قابل توجهی در تحریم‌ها علیه ایران بازی کرده بودند. او ستون‌نویس نشریه نیویورک آبزور بوده است؛ نشریه‌ای که وابسته به داماد ترامپ جارد کوشنر بوده است. او در یادداشتی تحت عنوان

1. MASHRGH.IR/733252



«توافق نکردن با ایران بهتر از یک توافق خوب است» که در نشریه/بزرور منتشر شده بود به شدت بدگویی کرد.<sup>۱</sup>

او تقریباً از حدود یک ماه مانده به آشوب‌های داخلی ایران به این سمت منصوب شد و همزمان با این انتخاب هجمه‌های فراوانی صورت گرفت و بعضی معتقدند که با آمدن اندرو پیک که به جای سیاست، در امور جنگ فعال بوده باید منتظر مواضع هجومی از ناحیه دولت امریکا بود.

محمدصادق الحسینی در مطلبی در روزنامه/البناء لبنان بعد از جریان آشوب‌ها نوشت که واشنگتن، ریاض و تل‌آویو که طی روزهای اخیر دور جدیدی از شکست را از تهران متحمل شدند خود را بازنده این جریان نمی‌دانند. با وجود شکست نظریه غافل‌گیری و انتقال درگیری‌ها به داخل جمهوری اسلامی ایران، اما اطلاعات موجود نشان می‌دهد که مثلث متجاوز دست از توطئه‌چینی ضد انقلاب اسلامی برداشته و به دنبال اجرای سناریوهای جدید ضد این کشور است که احتمالاً قهرمان این سناریو «مایکل دی آندریا» یا شاهزاده مشهور تاریکی‌ها نخواهد بود بلکه یک افسر اطلاعاتی پشت پرده و در عین حال مجرب است که اندرو لوئیس پیک نام دارد. دونالد ترامپ در ۶ دسامبر گذشته و در چهارچوب آمادگی‌ها برای هرج و مرج و فراهم کردن بستر مناسب جهت توجیه مداخله نظامی آینده خود در ایران اندرو لوئیس پیک را به عنوان جانشین معاون وزیر خارجه در امور ایران و عراق انتخاب کرد. انتخاب وی به عنوان جانشین معاون وزیر و نه خود معاون وزیر برای دور زدن برخی پیچیدگی‌های اداری بود چرا که این پست نیازمند دستور ریاست جمهوری یا موافقت مجلس سنا نیست و به سهولت قابل انجام است. تا قبل از انتخاب پیک، کریس بکمیر جانشین معاون وزیر خارجه در امور ایران بود و به صورت جدا از عراق فعالیت می‌کرد و جوزف نسینگتون نیز جانشین معاون وزیر خارجه در امور عراق بود. تصدی اندرو پیک در این سمت به این معناست که این پست به عنوان یکی از اولویت‌دارترین سمت‌ها در خدمت سیاست خصمانه امریکا در قبال ایران و محور مقاومت خواهد بود.

اندرو پیک قبل از رسیدن به این پست با همراهی جارد کوشنر داماد ترامپ در سفری اعلام نشده به عربستان رفت. این سفر ۴ روز طول کشید و آنها در ریاض با محمد بن سلمان دیدار کرده و در رابطه با جزییات سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی اتاق عملیات در هرات افغانستان و اربیل عراق با هم به توافق رسیدند. این دو اتاق عملیات مختص مدیریت روند کشتار و تخریب در جمهوری اسلامی ایران بود که یکی از نتایج آن طی

روزهای اخیر در اغتشاشات صورت گرفته در شهرهای ایران خود را نشان داد. یکی از شخصیت‌های تندرو در دولت امریکا که بیشترین دشمنی را با جمهوری اسلامی ایران دارد الیوت آبرامز یهودی از نومحافظه کاران امریکایی است. او متن مربوط به تحریم‌های ضد ایرانی، ضد سوری و ضد لبنانی را تدوین کرد که کنگره در دهمین دوره خود طی سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ آنها را بررسی نمود. او تهیه کننده تئوری‌های محمد بن سلمان در رابطه با ضرورت انتقال درگیری‌ها به عمق ایران است. وی در تاریخ ۱۶ مارس ۲۰۱۶ (۲۷ اسفند ۹۵) مقاله‌ای را در مجله/فارین/آفرز نوشت با این مضمون که امریکا معتقد است عربستان نیازمند ایجاد بحرانی بزرگ با ایران است تا بتواند موقعیت خود را در منطقه بهبود بخشد.<sup>۱</sup>

منابع پیگیری کننده این تحولات معتقدند که انتصاب اندرو پیک از سوی واشنگتن برای برنامه‌ریزی جهت عملیات ترور شخصیت‌های ایرانی و مهم و تأثیرگذار از جمله قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه و تعدادی از معاونان فعال وی در عراق و سوریه انجام شده است. بنابر اعلام منابع مذکور واشنگتن و ریاض برای رسیدن به این هدف از اسرائیلی‌ها نیز کمک گرفته‌اند چرا که آنها بیشترین نزدیکی را با سوریه دارند و به صورت تخصصی در این عرصه فعالیت کرده‌اند. بنا به اعلام این منابع تلاش می‌شود شخصیت‌های قوی نیروی قدس سپاه پاسداران در حال حاضر تحت کنترل و نظارت قرار گیرند تا آنها را در دام موساد و سی‌آی‌ای گرفتار کنند.<sup>۲</sup>

## نقش جان مک کین در اغتشاشات

او سناتور افراطی ایالت آریزونا، یک جمهوری خواه و نامزد این حزب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ بود. در آن انتخابات، مک کین در مقابل باراک اوباما تن به شکست داد و از ورود به کاخ سفید باز ماند. او هم‌اکنون از اصلی‌ترین مخالفان دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا محسوب می‌شود. نکته قابل تأمل در خصوص مک کین، حمایت مستقیم وی از ناآرامی‌ها و اغتشاشات در ایران بوده است. او در سال ۲۰۰۹ میلادی نیز از اغتشاشگران حمایت کرده بود، هر چند که در این خصوص مک کین نیز مانند دیگر سیاستمداران امریکایی شکست سختی را تجربه کرد.

در این راستا روزنامه ینی شفق نزدیک به دولت ترکیه نوشت جان مک کین، سناتور حزب جمهوری خواه و رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای امریکا و سازمان سیا نقش

۱. بی شک نقش رژیم صهیونیستی و سعودی‌ها در اغتشاشات غیر قابل انکار است و شواهد بسیار زیادی وجود دارد که ان شاءالله در مقاله‌ای جداگانه پیرامون آن صحبت خواهد شد.



یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتدار ملی عواطف مردم و افکار عمومی است. یکی از ابزارها حضور قدرتمندانه جمهوری اسلامی در منطقه است. یکی از ابزارها اقتدار ملی قدرت دفاعی کشور است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتدار ملی جوان مؤمن است

اصلی در ناآرامی‌های اخیر در ایران را بر عهده دارد. ینی شفق در پایگاه اینترنتی خود تصریح کرده است وزارت دفاع امریکا طرح ایجاد کابوس در سال ۲۰۱۸ میلادی را از ایران آغاز کرد. کاخ سفید مصرانه از این اعتراضات حمایت می‌کند. در ناآرامی‌های ایران علاوه بر سلطنت‌طلبان، جان مک کین که در وقایع سوریه هم نقش مهمی داشت و نیز سازمان سیا نقش اصلی را بر

عهده دارند.

گفتنی است سناتور جان مک کین بلافاصله پس از شروع اغتشاشات زمستان ۹۶ در ایران با صدور بیانیه‌ای رسماً از این ناآرامی‌ها حمایت کرد. او در توثیقی اعلام کرد امریکا در کنار معترضان ایرانی ایستاده است. وی که به سرطان مغز مبتلاست در ۲۶ فروردین ماه سال جاری در آلبانی با سرکرده گروهک منافقین دیدار کرد؛ او سابقه حضور در ضیافت‌های این گروهک را نیز دارد.

مک کین در آلبانی با تکرار اتهامات واهی علیه ایران مدعی شده بود «تغییر رژیم در ایران پیش شرط ایجاد صلح و ثبات در منطقه و جهان است»<sup>۱</sup> او در تازه‌ترین موضع‌گیری‌های خود در مواجهه با ایران اظهار کرده است:

بر این باورم که باید ایران را به علت اقداماتش از طریق اعمال تحریم‌های جدید علیه برنامه موشک بالستیک این کشور، اعمال تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، اعمال تحریم‌ها علیه ایرانی‌های متهم به نقض حقوق بشر و تشدید اعمال تحریم‌های تسلیحاتی در تهران پاسخگو نگه داشت.<sup>۲</sup>

با این حال سناتور بازنده امریکایی که همواره موضع افراطی او در قبال ایران مورد توجه رسانه‌های امریکایی است، دچار اختلافات اساسی با ترامپ است و با توجه به مواضع صریح ترامپ نسبت به برجام باید دید آینده جمهوری خواهان به کدام سمت و سو خواهد رفت.

۱. «دپار مک کین با سرکرده منافقین»؛

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/96.01.26/1380054>

۲. «حمایت سناتور بازنده از اغتشاشگران»، رسالت، ش ۹۱۲۸، ۱۰/۲۱/۱۳۹۶.

## نتیجه‌گیری

بدون شک دشمن اصلی ملت ایران امریکاست که از همان آغازین روزهای انقلاب اسلامی مترصد ضربه زدن به پیکره نظام بود؛ آشوب‌های زمستان ۹۶ نمونه‌ای از این دشمنی‌هاست که با طراحی چندین ماهه به دنبال هدف تغییر نظام با استفاده از طرح‌های گوناگون ارائه‌شده از طرف افسران اطلاعاتی ضد ایرانی و به منظور برهم زدن اوضاع داخلی کشور ایجاد شده بود. از این رو طراحی و اجرای نقشه‌های دشمن همواره در راستای ایجاد جدایی نظام از بزرگ‌ترین حامی خود یعنی مردم است. به هر حال رصد کردن نقشه‌های دشمنان و شناخت تاکتیک‌های هجومی آنان باید از وظایف نخبگان و مسئولان جمهوری اسلامی باشد تا حوادثی شبیه آنچه در ماه‌های اخیر در کشور اتفاق افتاد صورت نگیرد.

